

داستان پنهان انتقال اضطراب اجتماعی میان نسل‌ها

(یک مطالعه فرا تحلیل)

مرضیه محمدی^۱، یاسر دهقانی^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی اجتماعی، گروه روانشناسی، موسسه غیرانتفاعی فاطمیه علیها السلام شیراز، فارس، ایران.

mohammadimarzieh976@gmail.com

۲- استادیار گروه روانشناسی، موسسه غیرانتفاعی فاطمیه علیها السلام شیراز، فارس، ایران. (نویسنده مسئول)

Yaser.dehghani@yahoo.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۱/۱۲]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۳/۶/۲۴]

چکیده

اضطراب اجتماعی به عنوان یکی از رایج‌ترین اختلالات روانی در میان کودکان و نوجوانان، اغلب ریشه در الگوهای ارتباطی خانوادگی و سبک‌های والدگری دارد که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. هدف این پژوهش، بررسی نظام‌مند رابطه میان سبک‌های والدگری و انتقال بین‌نسلی اضطراب اجتماعی بر پایه شواهد تجربی طی دهه اخیر بود. بدین منظور، با استفاده از روش فرا تحلیل و تحلیل اسنادی، مقالات مرتبط از پایگاه‌های علمی معتبر بازبینی گردید. پس از غربال‌گری اولیه، از میان ۱۰۲ مقاله، تعداد ۱۸ مطالعه وارد مرحله ارزیابی کیفی شدند و نهایتاً ۹ مقاله که دارای معیارهای لازم از نظر روش‌شناسی و کیفیت داده بودند، در تحلیل نهایی گنجانده شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار سی‌ام‌آ صورت گرفت. نتایج نشان داد سبک‌های والدگری تأثیر قابل‌توجهی بر شکل‌گیری یا پیشگیری از اضطراب اجتماعی در کودکان دارند. سبک‌های سخت‌گیرانه، مستبدانه و تنبیهی با افزایش سطوح اضطراب اجتماعی در کودکان ارتباط مثبت و معنادار داشتند. در مقابل، سبک‌های مقتدرانه، پاسخگو و گرم، به صورت معناداری با کاهش نشانه‌های اضطراب اجتماعی هم‌پسته بودند. افزون بر این، اضطراب اجتماعی با پیامدهای منفی روان‌شناختی همچون کاهش عزت‌نفس، افزایش خشم و پرخاشگری و اختلال در روابط بین‌فردی همراه بود. یافته‌های این پژوهش بر اهمیت نقش والدین در ایجاد یا کاهش آسیب‌پذیری کودکان در برابر اضطراب اجتماعی تأکید می‌ورزد و بر لزوم طراحی مداخلاتی مبتنی بر آموزش والدگری سالم به عنوان بخشی از راهبردهای پیشگیری اولیه از این اختلال روانی صحنه می‌گذارد.

واژگان کلیدی: اضطراب اجتماعی، سبک‌های والدگری، انتقال بین‌نسلی، سلامت روان کودک.

¹. Comprehensive Meta-Analysis (CMA)

۱- مقدمه

خانواده به عنوان هسته اصلی رشد و پرورش کودکان و نوجوانان، نقشی بی بدیل در شکل گیری سلامت روانی و رفتاری آنها ایفا می کند. این نهاد اجتماعی نه تنها بستری برای تأمین نیازهای اولیه جسمانی و عاطفی فراهم می آورد، بلکه به عنوان اولین محیط یادگیری اجتماعی، تأثیر عمیقی بر الگوهای رفتاری، باورها و نگرش های فرد در طول زندگی دارد. دوره های کودکی و نوجوانی، به دلیل تغییرات گسترده جسمانی، عاطفی و شناختی، از حساس ترین مراحل رشد محسوب می شوند. کودکی که از بدو تولد تا آستانه بلوغ را در بر می گیرد، پایه ای برای رشد شخصیت و مهارت های اجتماعی فراهم می کند، در حالی که نوجوانی، به عنوان مرحله ای انتقالی بین کودکی و بزرگسالی، با چالش های هویتی و اجتماعی همراه است. پژوهش های متعدد نشان داده اند که مشکلات روانی، جسمانی و رفتاری در این دوره ها می توانند به صورت تجمعی و گاهی فزاینده بر مراحل بعدی زندگی، از جمله جوانی، میان سالی و حتی پیری، تأثیر بگذارند. از این رو، مداخله زودهنگام در این مراحل نه تنها به بهبود کیفیت زندگی در همان دوره کمک می کند، بلکه از بروز مشکلات درازمدت نیز پیشگیری می نماید (محمدی، ۱۴۰۳).

در حوزه علوم رفتاری، رویکردهای درمانی به دو دسته اصلی تقسیم می شوند: مداخلات فردمحور و مداخلات خانواده محور. در مداخلات فردمحور، تمرکز بر فرد مبتلا به مشکل است و درمانگر تلاش می کند تا با استفاده از تکنیک های روان شناختی، علائم و مشکلات فرد را کاهش دهد. در مقابل، مداخلات خانواده محور با مشارکت فعال اعضای خانواده، به ویژه والدین، به حل مشکلات می پردازند و فرض بر این است که با توجه به نقش محوری خانواده در رشد و مراقبت از فرزندان، این رویکرد اثربخشی بیشتری دارد (محمدی و خرم دل، ۱۴۰۳). این دیدگاه به ویژه در مورد اختلالاتی مانند اضطراب اجتماعی که تحت تأثیر عوامل خانوادگی، اجتماعی و محیطی قرار دارند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. خانواده نه تنها به عنوان منبعی برای حمایت عاطفی و اجتماعی عمل می کند، بلکه می تواند به عنوان عاملی برای تشدید یا کاهش مشکلات روانی نیز نقش آفرینی کند.

والدگری، به عنوان یکی از کلیدی ترین عوامل محیطی مؤثر بر رشد روانی و اجتماعی فرزندان، در دهه های اخیر به موضوعی محوری در پژوهش های روان شناختی تبدیل شده است. شیوه های والدگری که شامل طیف گسترده ای از رفتارها و نگرش ها از جمله والدگری مقتدر، آسان گیر، سهل انگار یا مستبد است، تأثیرات متفاوتی بر رشد فرزندان دارند. برای مثال، والدین آسان گیر که روابط عاطفی گرمی با فرزندان خود برقرار می کنند اما نظارت و کنترل کمتری اعمال می نمایند، ممکن است فرزندان با عزت نفس بالا و مهارت های اجتماعی قوی پرورش دهند، اما این کودکان اغلب انگیزه تحصیلی کمتری دارند (Nasution, Karneli & Netrawati, 2024). در مقابل، والدگری مقتدر که ترکیبی از حمایت عاطفی و نظارت متعادل است، با پیامدهای مثبتی مانند سازگاری روانی و موفقیت تحصیلی همراه است. پژوهش ها همچنین نشان داده اند که شیوه های والدگری منفی، مانند تنبیه بدنی یا نظارت ضعیف، می توانند به افزایش مشکلات رفتاری و روانی، از جمله اضطراب، منجر شوند (Nomaguchi & Milkie, 2020). این یافته ها بر اهمیت انتخاب شیوه های والدگری مناسب و آگاهانه تأکید دارند.

اضطراب اجتماعی، یکی از شایع ترین اختلالات روانی در میان کودکان و نوجوانان، به عنوان حالتی نافذ و ناتوان کننده تعریف می شود که با ترس مداوم از ارزیابی منفی توسط دیگران و اجتناب از موقعیت های اجتماعی مشخص می شود. این اختلال در پیوستاری از شدت قرار دارد که از اضطراب اجتماعی خفیف تا اختلال شخصیت اجتنابی را در بر می گیرد (Leichsenring & Leweke, 2017). مطالعات نشان می دهند که حدود ۲۴ درصد از دانش آموزان از اضطراب اجتماعی بالا رنج می برند که می تواند بر فرایند یادگیری، روابط اجتماعی و سلامت روان آنها تأثیر منفی بگذارد (Asif, Mudassar, Shahzad, Raouf & Pervaiz, 2020). اضطراب اجتماعی نه تنها به صورت فردی تجربه می شود، بلکه می تواند از طریق الگوبرداری، یادگیری اجتماعی و تعاملات خانوادگی از والدین به

فرزندان منتقل شود. والدینی که خود از اضطراب اجتماعی رنج می‌برند، ممکن است به‌طور ناخواسته الگوهای رفتاری مضطربانه‌ای را به فرزندان خود منتقل کنند که این امر به تداوم این اختلال در نسل‌های بعدی کمک می‌کند.

نظریه‌های شناختی پیشنهاد می‌کنند که اضطراب اجتماعی از طریق مکانیسم‌هایی مانند توجه انتخابی به تهدیدهای اجتماعی و تفسیر نادرست از رویدادهای اجتماعی تشدید می‌شود (Sharafutdinova, Kulmamatova & Haydarova, 2021). به‌عنوان مثال، افراد مبتلا به اضطراب اجتماعی ممکن است نشانه‌های خنثی در تعاملات اجتماعی را به‌عنوان تهدید یا انتقاد تفسیر کنند که این امر به تشدید ترس و اجتناب آن‌ها منجر می‌شود. این الگوهای شناختی می‌توانند از طریق مشاهده رفتار والدین یا دریافت بازخوردهای منفی در محیط خانوادگی آموخته شوند. برای نمونه، والدینی که در حضور فرزندان خود از موقعیت‌های اجتماعی اجتناب می‌کنند یا اضطراب خود را به‌صورت آشکار بروز می‌دهند، ممکن است این باور را در فرزندانشان تقویت کنند که تعاملات اجتماعی ذاتاً تهدیدآمیز هستند.

نوجوانی، به دلیل تغییرات گسترده فیزیولوژیکی، عاطفی و شناختی، دوره‌ای به‌ویژه آسیب‌پذیر برای بروز و تشدید اضطراب اجتماعی است. در این مرحله، افراد با فشارهای اجتماعی مانند پذیرش همسالان، شکل‌گیری هویت و انتظارات تحصیلی مواجه می‌شوند که می‌توانند به استرس و اضطراب منجر شوند. گزارش‌های سازمان جهانی بهداشت نشان می‌دهند که ۲۰ درصد از نوجوانان در سراسر جهان از اختلالات روانی، به‌ویژه اضطراب، رنج می‌برند (Groen, 2021). این اختلال می‌تواند پیامدهای جدی مانند کاهش کیفیت زندگی، عزت نفس پایین و گرایش به رفتارهای پرخطر مانند مصرف مواد مخدر یا الکل را به دنبال داشته باشد (Schoenmakers, Tijmstra, Vermunt & Bolsinova, 2024). از این‌رو، شناسایی عوامل مؤثر بر اضطراب اجتماعی در این دوره و طراحی مداخلات مؤثر برای کاهش آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

عوامل متعددی، از جمله عوامل ژنتیکی، محیطی و فرهنگی، در بروز و تداوم اضطراب اجتماعی نقش دارند. با این حال، نقش خانواده و به‌ویژه شیوه‌های والدگری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عزت نفس و مهارت‌های اجتماعی که تحت تأثیر شیوه‌های والدگری شکل می‌گیرند، می‌توانند به‌عنوان عوامل محافظتی در برابر اضطراب اجتماعی عمل کنند (Ferber, Chen, Tan, Sahib, Hannaford & Zhang, 2024). برای مثال، والدگری مثبت که شامل حمایت عاطفی، تشویق استقلال و ارائه بازخوردهای سازنده است، می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و کاهش اضطراب اجتماعی در فرزندان کمک کند. در مقابل، والدگری بیش‌ازحد کنترل‌کننده یا سهل‌انگار ممکن است به افزایش احساس ناامنی و ترس از قضاوت در فرزندان منجر شود.

این مطالعه مروری با هدف بررسی نقش والدگری در انتقال اضطراب اجتماعی میان نسل‌ها انجام شده است. با تمرکز بر مکانیسم‌های روان‌شناختی و اجتماعی که از طریق آن‌ها اضطراب اجتماعی از والدین به فرزندان منتقل می‌شود، این پژوهش به دنبال شناسایی عوامل خانوادگی مؤثر بر این اختلال و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری و مداخله است. در این راستا، تأثیر شیوه‌های مختلف والدگری، از جمله والدگری مثبت، مقتدر و سهل‌انگار، بر رشد روانی و اجتماعی فرزندان مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، عوامل فرهنگی و اجتماعی که ممکن است بر شیوع و شدت اضطراب اجتماعی تأثیر بگذارند، نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند تا درک جامعی از این پدیده پیچیده ارائه شود. این مطالعه با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش‌های اخیر، تلاش می‌کند تا به سؤال اصلی پاسخ دهد: چگونه شیوه‌های والدگری می‌توانند به‌عنوان عاملی برای انتقال یا کاهش اضطراب اجتماعی میان نسل‌ها عمل کنند؟

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

سبک‌های والدگری: به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری ویژگی‌های روان‌شناختی و رفتاری کودکان شناخته می‌شوند. این سبک‌ها که شامل روش‌های متنوع تربیت و تعامل والدین با فرزندان هستند، تأثیر عمیقی بر سلامت روان کودکان، به‌ویژه اضطراب

اجتماعی آن‌ها، دارند. اضطراب اجتماعی، به‌عنوان ترس یا نگرانی شدید از موقعیت‌های اجتماعی یا قضاوت دیگران، می‌تواند بر روابط بین‌فردی، عملکرد تحصیلی و کیفیت زندگی کودکان اثر منفی بگذارد.

سبک سهل‌گیرانه: لومت^۱ و همکاران (۲۰۲۲) سبک سهل‌گیرانه را به‌گونه‌ای تعریف می‌کنند که والدین در آن به کودکان آزادی زیادی می‌دهند و معمولاً قوانین یا محدودیت‌های کمی برای آن‌ها وضع می‌کنند. این والدین به‌ندرت از تنبیه یا کنترل سخت‌گیرانه استفاده می‌کنند و بیشتر به نیازهای آنی کودک توجه دارند تا تربیت بلندمدت او. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سبک سهل‌گیرانه به‌طور قابل‌توجهی با افزایش مشکلات اجتماعی مرتبط است. این سبک نه‌تنها به کاهش اضطراب اجتماعی کمک نمی‌کند، بلکه به دلیل نبود ساختار و راهنمایی کافی، می‌تواند احساس ناامنی در کودک ایجاد کند. این ناامنی اغلب به دشواری‌هایی در روابط اجتماعی منجر می‌شود، زیرا کودکان مهارت‌های لازم برای مدیریت تعاملات پیچیده اجتماعی را کسب نمی‌کنند.

سبک مستبدانه: جافر^۲ (۲۰۲۱) سبک مستبدانه را به والدینی نسبت می‌دهد که کنترل شدیدی بر رفتار کودکان اعمال می‌کنند و اغلب از تنبیه‌های سخت‌گیرانه برای مدیریت آن‌ها استفاده می‌کنند. این والدین انتظارات بالایی از فرزندان دارند و آزادی عمل آن‌ها را محدود می‌کنند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سبک مستبدانه به‌طور قوی با افزایش اضطراب اجتماعی مرتبط است. محیط پرتنش و کنترل بیش از حد در این سبک، احساس ترس و ناامنی را در کودکان تقویت می‌کند و آن‌ها را نسبت به تعاملات اجتماعی محتاط‌تر و مضطرب‌تر می‌سازد.

سبک مقتدرانه: فیبیانتی^۳ (۲۰۲۱) سبک مقتدرانه را ترکیبی از محبت و انضباط معرفی می‌کند. والدین مقتدر قوانین مشخصی تعیین می‌کنند، اما در عین حال به نیازهای عاطفی کودکان پاسخ می‌دهند و از آن‌ها حمایت می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این سبک به‌طور مؤثری با کاهش اضطراب اجتماعی مرتبط است. کودکان در این محیط اعتماد به نفس بیشتری دارند و به دلیل حمایت عاطفی و ساختار مشخص، در روابط اجتماعی موفق‌تر عمل می‌کنند. این سبک به‌عنوان یکی از بهترین روش‌های والدگری برای پرورش سلامت روان شناخته می‌شود.

سبک بیش از حد مراقب: سلطان^۴ (۲۰۲۳) سبک بیش از حد مراقب را به والدینی نسبت می‌دهد که به‌صورت افراطی از فرزندان خود در برابر چالش‌ها و استرس‌ها محافظت می‌کنند. این والدین سعی دارند تمامی موقعیت‌های استرس‌زا را از زندگی کودک حذف کنند. نتایج نشان می‌دهد که این سبک به‌طور قابل‌توجهی با افزایش اضطراب اجتماعی مرتبط است. کودکانی که بیش از حد مورد حمایت قرار می‌گیرند، اغلب احساس ناتوانی در مقابله با چالش‌های زندگی می‌کنند که این امر اضطراب آن‌ها را در موقعیت‌های اجتماعی تشدید می‌کند.

سبک پاسخگویی: شوئن مکرس^۵ (۲۰۲۴) سبک پاسخگویی را توانایی والدین در درک و پاسخگویی مناسب به نیازها و احساسات کودکان تعریف می‌کند. این والدین با حمایت عاطفی و همدلی، محیطی امن برای کودکان فراهم می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این سبک به‌طور مؤثری به کاهش اضطراب اجتماعی کمک می‌کند. حس امنیت و اعتماد ایجادشده توسط والدین پاسخگو، کودکان را قادر می‌سازد تا با اطمینان بیشتری در موقعیت‌های اجتماعی عمل کنند.

1 Lomet

2 Jaafar

3 Febiyanti

4 Sultan

5 Shengyao

سبک مطالبه‌گری: یافه^۱ (۲۰۲۳) سبک مطالبه‌گری را به والدینی نسبت می‌دهد که انتظارات بالایی از فرزندان دارند و معیارهای سخت‌گیرانه‌ای برای آن‌ها تعیین می‌کنند. این والدین کودکان را تحت فشار قرار می‌دهند تا به اهداف مشخصی برسند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این سبک به‌طور قابل‌توجهی با افزایش اضطراب اجتماعی مرتبط است. فشار بیش از حد برای موفقیت می‌تواند کودکان را در برابر شکست یا قضاوت دیگران آسیب‌پذیرتر کند.

سبک کاوشگری: گارسیا^۲ (۲۰۲۰) سبک کاوشگری را به والدینی نسبت می‌دهد که کودکان را به کشف دنیا و تجربه‌های جدید تشویق می‌کنند. این والدین به کودکان اجازه می‌دهند با چالش‌ها مواجه شوند و از آن‌ها حمایت می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که این سبک به‌طور مؤثری به کاهش اضطراب اجتماعی کمک می‌کند. کودکان در این محیط مهارت‌های اجتماعی و اعتماد به نفس لازم برای تعاملات موفق را کسب می‌کنند.

سبک خشن و تنبیهی (پدرانه و مادرانه): چن^۳ و همکاران (۲۰۲۴) سبک خشن و تنبیهی پدرانه را به استفاده از تنبیه‌های جسمی و کلامی برای کنترل رفتار کودکان نسبت می‌دهند. این سبک به‌طور قوی با افزایش اضطراب اجتماعی مرتبط است. به‌طور مشابه، شنگیان و همکاران (۲۰۲۴) سبک خشن و تنبیهی مادرانه را بررسی کرده‌اند که تأثیر حتی شدیدتری بر اضطراب اجتماعی دارد. این تفاوت ممکن است به دلیل نقش عاطفی قوی‌تر مادران در تربیت کودکان باشد (شکل یک).



شکل ۱: سبک‌های والدگری

1 Yaffe

2 Garcia

3 Chen

۳- روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر بر پایه یک مطالعه فرا تحلیل و اسنادی طراحی شد و با هدف بررسی ارتباط والدگری و اضطراب اجتماعی در کودکان انجام گرفت. برای این منظور، تمامی مقالات مرتبط با موضوع از پایگاه‌های معتبر علمی نظیر PubMed، Web of Science و Google Scholar در بازه زمانی ده سال اخیر، با استفاده از کلیدواژه‌های «والدگری» و «اضطراب اجتماعی» جستجو و انتخاب شدند. از میان ۱۰۲ مقاله شناسایی شده، پس از غربالگری و ارزیابی کیفیت، ۱۸ مقاله برای تحلیل دقیق‌تر انتخاب و در نهایت ۹ مقاله معتبر تشخیص داده شدند. اطلاعات استخراج شده از این مقالات با استفاده از نرم‌افزار Comprehensive Meta-Analysis (CMA) تحلیل شد که این نرم‌افزار امکان بررسی ناهمگونی و تحلیل حساسیت را فراهم کرد. ملاک‌های ورود و خروج شامل مقالاتی بود که پس از سال ۱۳۹۳ منتشر و به‌طور مستقیم به رابطه والدگری و اضطراب اجتماعی پرداخته بودند. نتایج این پژوهش به منظور دستیابی به الگوهای کلی‌تر و دقیق‌تر در زمینه تأثیر والدگری بر اضطراب اجتماعی کودکان تجزیه و تحلیل شد و فرضیات مربوط به وجود رابطه مثبت بین والدگری و اضطراب اجتماعی و شناسایی عوامل مؤثر در این رابطه مورد ارزیابی قرار گرفت.

۴- یافته‌ها

جدول زیر اطلاعات مفیدی از مقالات ارائه می‌دهد که شامل نام پژوهشگران، سال انتشار، اندازه نمونه آماری، نمادها و کلیدواژه‌ها، نتایج مهم است. بر اساس یافته‌های پژوهش، ۹ مؤلفه شناسایی شده‌اند. به منظور بررسی متغیرهای مذکور در پژوهش حاضر، از نمادهای لاتین استفاده شده است، زیرا نرم‌افزار فراتحلیل از فونت‌های فارسی پشتیبانی نمی‌کند. به همین دلیل، نمادگذاری به‌صورت لاتین نگارش شده است. این نوع نمادگذاری در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱: مقالات مورد بررسی در پژوهش

نویسنده	سال انتشار	نتیجه آزمون	ضریب اثر	نتایج مهم	عنوان مقاله	اندازه نمونه
ماتیس ^۱ و همکاران	۲۰۲۴	پذیرش	۰/۳۹۹	تنظیم هیجان به‌عنوان میانجی بین فرزندپروری بیش‌حمایتی و اضطراب اجتماعی در نوجوانان نقش تنظیم هیجان اجتماعی در نوجوانان عمل می‌کند.	فرزندپروری بیش‌حمایتی و اضطراب اجتماعی در نوجوانان: نقش تنظیم هیجان	۲۷۸
اوزکولا ^۲ و همکاران	۲۰۲۲	پذیرش	۰/۶۳۷ ۰/۸۳۹	رفتارهای والدین که اضطراب را ترویج می‌کنند با اضطراب اجتماعی نوجوانان مرتبط است.	رفتارهای والدین که اضطراب را ترویج می‌کنند با اضطراب اجتماعی نوجوانان در نوجوانان با اضطراب اجتماعی: کنترل با یک نمونه غیربالینی	۶۰ ۶۰
اونیکاچی ^۳ و همکاران	۲۰۲۲	رد	-۰/۴۵۶ -۰/۱۴۷ -۰/۳۲۷	سبک‌های فرزندپروری با اضطراب اجتماعی و استفاده مشکل‌آفرین از اینترنت مرتبط است.	سبک فرزندپروری، اضطراب اجتماعی در تعاملات و استفاده مشکل‌آفرین از اینترنت در بین دانشجویان	۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰

1 Mathijs

2 Özkula

3 Onyekachi

وانگ ^۱ و همکاران	۲۰۲۱	پذیرش	۰/۳۳۴	نامنی دل‌بستگی با پدر و مادر نقش‌های متفاوتی در میانجی‌گری بین فرزندپروری سخت‌گیرانه و مادر و اضطراب اجتماعی نوجوانان چینی: فرزندپروری سخت‌گیرانه و اضطراب نقش‌های متفاوت نامنی دل‌بستگی با پدر و مادر اجتماعی ایفا می‌کند.	۳۹۵
زبایی ویشکی ^۲ و همکاران	۲۰۲۱	پذیرش	۰/۵۶۲	سبک‌های فرزندپروری و پیش‌بینی اضطراب اجتماعی در دختران انعطاف‌پذیری شناختی مادران مدرسه‌ای بر اساس سبک‌های پیش‌بینی‌کننده‌های مهم اضطراب فرزندپروری و انعطاف‌پذیری شناختی اجتماعی در دختران هستند.	۲۰۰
پلگ ^۳ و همکاران	۲۰۲۱	پذیرش	۰/۳۶۸	اضطراب اجتماعی و افسردگی به عنوان میانجی بین سبک‌های فرزندپروری و افسردگی و اضطراب اجتماعی به عنوان میانجی بین سبک‌های فرزندپروری و خطر اختلالات خوردن: مطالعه‌ای در میان نوجوانان عرب خوردن عمل می‌کنند.	۶۱۳
کونگ ^۴ و همکاران	۲۰۲۰	پذیرش	۰/۳۶۸	سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده با اضطراب اجتماعی در نوجوانان مرتبط است.	۳۲۷
سیلوا ^۵ و همکاران	۲۰۱۷	پذیرش		سبک‌های فرزندپروری تأثیر تعدیلی اثر تعدیلی سبک‌های فرزندپروری بر رابطه بین اضطراب اجتماعی و علائم افسردگی در نوجوانان	۱۲۱

جدول ۲. اطلاعات آماری پژوهش‌های حوزه پژوهش حاضر

نام پژوهشگران	Hedges's g	خطای استاندارد	واریانس	فاصله اطمینان ۹۵٪		آماره‌های معناداری		نتیجه
				کران بالا	کران پایین	Z-Value	p-Value	
سیلوا و همکاران	۰/۳۷۱	۰/۱۸۶	۰/۰۳۵	۰/۰۰۶	۰/۷۳۶	۱/۹۹۳	۰/۰۴۶	پذیرش
میشرا و کیران	۰/۶۱۷	۰/۱۹۲	۰/۰۳۷	۰/۲۴۰	۰/۹۹۴	۳/۲۰۹	۰/۰۰۱	پذیرش
	-۰/۱۲۲	۰/۱۸۴	۰/۰۳۴	-۰/۴۸۳	۰/۲۳۹	-۰/۶۶۱	۰/۵۰۸	رد

1 Wang
2 Zibae Vishkaee
3 Peleg,
4 Cong
5 Silva

داستان پنهان انتقال اضطراب اجتماعی میان نسل ها ...								مرضیه محمدی و یاسر دهقانی	
رد	۰/۰۸۲	-۱/۷۴۱	۰/۰۴۱	-۰/۶۸۹	۰/۰۳۵	۰/۱۸۶	-۰/۳۲۴		
وانگ و همکاران	۰/۳۳۴	۰/۱۰۲	۰/۰۱۰	۰/۱	۰/۵	۳/۲	۰/۰۰۱	پذیرش	
	۰/۳۳۴	۰/۱۰۲	۰/۰۱۰	۰/۱	۰/۵	۳/۲	۰/۰۰۱	پذیرش	
کنگ و همکاران	۰/۳۶۸	۰/۱۱۳	۰/۰۱۳	۰/۱۴۷	۰/۵	۳/۲	۰/۰۰۱	پذیرش	
	۰/۳۶۸	۰/۱۱۳	۰/۰۱۳	۰/۱۴۷	۰/۵۸۸	۳/۲۶۱	۰/۰۰۱	پذیرش	
زیبائی و تیزدست	۰/۵۶۲	۰/۱۴۷	۰/۰۲۲	۰/۲۷۳	۰/۸۵۱	۳/۸۱۲	۰/۰۰۰	پذیرش	
	۰/۵۶۲	۰/۱۴۷	۰/۰۲۲	۰/۲	۰/۸	۳/۸	۰/۰۰۰	پذیرش	
	۰/۵۶۲	۰/۱۴۷	۰/۰۲۲	۰/۲	۰/۸	۳/۸	۰/۰۰۰	پذیرش	
پلگ و همکاران	-۰/۰۸۷	۰/۰۸۱	۰/۰۰۷	-۰/۲۴	۰/۰۷۱	-۱/۰۷	۰/۲	رد	
	۰/۱۵۹	۰/۰۸۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۳۱۸	۱/۹	۰/۰۵	رد	
	۰/۰۴۰	۰/۰۸۱	۰/۰۰۷	-۰/۱۱	۰/۱۹۹	۰/۴۹۶	۰/۶	رد	
اونیکاجی و همکاران	-۰/۱۴۷	۰/۱۱۶	۰/۰۱۳	-۰/۳۷۵	۰/۰۸۰	-۱/۲	۰/۲	رد	
	-۰/۴۵۶	۰/۱۱۹	۰/۰۱۴	-۰/۶۸	-۰/۲۲	-۳/۸	۰/۰۰۰	پذیرش	
	-۰/۳۲۷	۰/۱۱۷	۰/۰۱۴	-۰/۵۵	-۰/۰۹	-۲/۷۸	۰/۰۰۵	پذیرش	
اوزکولا و همکاران	۰/۶۳۷	۰/۲۷۵	۰/۰۷۵	۰/۰۹	۱/۱	۲/۳	۰/۰۲	پذیرش	
	۰/۸۳۹	۰/۲۸۴	۰/۰۸۱	۰/۲	۱/۳	۲/۹	۰/۰۰۳	پذیرش	
ماتیجس و همکاران	۰/۳۹۹	۰/۱۲۳	۰/۰۱	۰/۱	۰/۶	۳/۲	۰/۰۰۱	پذیرش	
مدل با اثرات ثابت	۰/۱۵۳	۰/۰۲۷	۰/۰۰۱	۰/۱	۰/۲	۵/۶	۰/۰۰۰	پذیرش	
مدل با اثرات تصادفی	۰/۲۱۰	۰/۰۷۳	۰/۰۰۵	۰/۰۶۸	۰/۳۵۲	۲/۸۹۶	۰/۰۰۴	پذیرش	

جدول ۲ نتایج آماری ضریب Hedges's g، آماره‌های t و p-value برای مؤلفه‌های والدگری استخراج‌شده از مقالات را نمایش می‌دهد. برای تأیید معنی‌داری یک مؤلفه، آماره t باید بالاتر از ۱/۹۶ و p-value کمتر از ۰/۰۵ باشد. مؤلفه‌های تأییدشده با کلمه پذیرش مشخص شده‌اند. همچنین، مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی در دو ردیف نشان می‌دهند که ضریب Hedges's g به ترتیب ۰/۱۵۳ و ۰/۲۱۰ است. این نتایج نشان‌دهنده معنی‌دار بودن مؤلفه‌های والدگری در هر دو مدل با اطمینان ۹۵٪ است.

جدول ۲ اطلاعات توصیفی مربوط به پژوهش‌های حوزه والدگری و اضطراب اجتماعی را ارائه می‌دهد. این جدول شامل نام پژوهشگران، مؤلفه‌های مورد بررسی، آماره‌های معناداری و نتایج حاصل از تحلیل‌ها است که به تعیین اثرات والدگری بر اضطراب اجتماعی در کودکان کمک می‌کند.

جدول ۲ شامل نتایج آماری از یک تحلیل فرا تحلیلی است که به بررسی ناهمگنی در داده‌های جمع‌آوری شده می‌پردازد. در این جدول چندین متغیر کلیدی وجود دارد که هر یک به جنبه‌ای از تحلیل مربوط می‌شود: آماره Q با مقدار $۱۲۶/۰۴۳$ نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین جمع مربعات وزن‌ها و میانگین اثرات مشاهده شده است و حاکی از وجود ناهمگنی میان مطالعات است. مقدار p -value برابر با $۰/۰۰$ نیز این نتیجه را تأیید می‌کند، زیرا مقدار کمتر از $۰/۰۵$ نشان‌دهنده معناداری آماری ناهمگنی است. شاخص I^2 با مقدار $۸۴/۹۲۶$ درصد به درصد واریانس اشاره دارد که ناشی از تفاوت‌های واقعی در اندازه‌های اثر میان مطالعات است؛ مقدار بالا نشان می‌دهد که مطالعات از جامعه‌های آماری مشابهی برخوردار نیستند. شاخص T^2 با مقدار $۰/۸۴$ برآوردی از واریانس واقعی اندازه‌های اثر ارائه می‌دهد و آماره Tau (T) با مقدار $۰/۲۹$ انحراف استاندارد این واریانس را نشان می‌دهد که برای تحلیل ناهمگنی و محاسبه فاصله پیش‌بینی استفاده می‌شود. در نهایت، مقدار درجه آزادی آماره Q برابر با ۱۹ است که به تعداد مطالعات و متغیرهای آزاد در این تحلیل اشاره دارد.

جدول ۳. بخش‌هایی از فرا تحلیل با اطلاعاتی در مورد ناهمگنی

Df (Q)	Tau(T)	T^2	I^2	p-value ^q	Q-statistic
۱۹	۰/۲۹۰	۰/۰۸۴	۸۴/۹۲۶	۰/۰۰	۱۲۶/۰/۴۳

جدول ۳ اطلاعات مربوط به ناهمگنی در یک تحلیل فرا تحلیلی را ارائه می‌دهد، شامل آماره‌های Q -statistic، p -value، I^2 ، Tau و درجه آزادی^۱ که به ترتیب نشان‌دهنده میزان ناهمگنی، معنی‌داری، واریانس و پراکندگی اثرات بین مطالعات مختلف هستند.

یافته‌های به دست آمده از استخراج و تأیید ۹ مؤلفه استخراج شده از مقالات، در این پژوهش، با اتکا بر یافته‌های استخراج شده از متاآنالیز جامع و تأیید ۹ مؤلفه کلیدی والدگری، مدلی نظری طراحی شد که به بررسی نقش میانجی‌گرانه و تعدیل‌کننده مؤلفه‌های والدگری در شکل‌گیری و شدت‌یابی اضطراب اجتماعی کودکان می‌پردازد. این مدل، بر اساس اندازه اثر^۲ محاسبه شده از تحلیل‌های آماری، نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار سبک‌های والدگری بر اضطراب اجتماعی کودکان است. در این راستا، با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری روان‌شناسی رشد و روان‌شناسی بالینی، ارتباط بین متغیرهای والدگری و پیامدهای روان‌شناختی در کودکان مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که سبک‌های والدگری، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین، با اضطراب اجتماعی کودکان همبستگی معناداری دارند. سبک والدگری سهل‌گیرانه^۳ که با ویژگی‌هایی نظیر انعطاف‌پذیری بالا و مطالبه‌گری پایین شناخته می‌شود، به‌طور معکوس با اضطراب اجتماعی مرتبط بود. به‌عبارت دیگر، کودکانی که در محیط‌های سهل‌گیرانه پرورش می‌یابند، به دلیل کاهش فشارهای روانی و

1. Df

2. Effect Size

3. Permissive Parenting

آزادی عمل بیشتر، سطوح پایین‌تری از اضطراب اجتماعی را تجربه می‌کنند. این یافته با نظریه‌های مبتنی بر خودمختاری روان‌شناختی^۱ همخوانی دارد که بر اهمیت حمایت از خودمختاری کودک در کاهش آسیب‌های روان‌شناختی تأکید می‌کند.

در مقابل، سبک والدگری مستبدانه^۲ که با کنترل شدید، مطالبه‌گری بالا و پاسخگویی عاطفی پایین مشخص می‌شود، به‌طور معناداری با افزایش اضطراب اجتماعی کودکان مرتبط بود. این سبک، از طریق ایجاد محیطی پرتنش و محدودکننده، می‌تواند منجر به فعال‌سازی مکانیزم‌های استرس‌زا در سیستم عصبی خودمختار کودک شود که به نوبه خود، اضطراب اجتماعی را تشدید می‌کند. همچنین، سبک والدگری مقتدرانه^۳ که ترکیبی از پاسخگویی بالا و مطالبه‌گری متعادل است، اگرچه به‌طور کلی به‌عنوان سبک بهینه در نظر گرفته می‌شود، در برخی موارد با افزایش خفیف اضطراب اجتماعی همراه بود. این امر می‌تواند به دلیل انتظارات بالای والدین مقتدر و فشارهای ناشی از آن باشد.

یکی دیگر از یافته‌های کلیدی، تأثیر والدگری بیش‌مراقبتی^۴ بر اضطراب اجتماعی بود. این سبک که با نظارت بیش از حد و محدود کردن خودمختاری کودک تعریف می‌شود، به‌طور مثبت با افزایش اضطراب اجتماعی همبستگی داشت. از منظر روان‌شناسی شناختی-رفتاری، والدگری بیش‌مراقبتی می‌تواند منجر به شکل‌گیری طرح‌واره‌های منفی^۵ در کودکان شود که آن‌ها را نسبت به تعاملات اجتماعی حساس‌تر و آسیب‌پذیرتر می‌کند. این یافته با مدل‌های آسیب‌پذیری-استرس^۶ سازگار است که بر نقش عوامل محیطی در تشدید اختلالات اضطرابی تأکید دارد.

مؤلفه‌های پاسخگویی^۷ و مطالبه‌گری^۸ والدین نیز به‌عنوان دو بعد اصلی در نظریه والدگری بامریند^۹ مورد بررسی قرار گرفتند. پاسخگویی که به معنای حساسیت والدین نسبت به نیازهای عاطفی و روانی کودک است، در صورتی که به‌طور متعادل اعمال نشود، می‌تواند به افزایش اضطراب اجتماعی منجر شود. به‌طور مشابه، مطالبه‌گری بیش از حد، به‌ویژه زمانی که با انتظارات غیرواقع‌بینانه همراه باشد، می‌تواند فشار روانی مضاعفی بر کودک وارد کند و او را در موقعیت‌های اجتماعی مضطرب‌تر سازد.

سبک والدگری کاوشگری^{۱۰} که بر تشویق کودک به تجربه محیط و پذیرش چالش‌های جدید متمرکز است، نیز با اضطراب اجتماعی ارتباط داشت. اگرچه این سبک به‌طور کلی با رشد مهارت‌های انطباقی مرتبط است، اما در برخی موارد، به‌ویژه زمانی که کودک از نظر سرشتی^{۱۱} مستعد اضطراب باشد، می‌تواند منجر به افزایش اضطراب اجتماعی شود. این اثر، هرچند کمتر از سبک‌های مستبدانه یا بیش‌مراقبتی، همچنان قابل توجه بود.

در نهایت، رفتارهای خشن و تنبیهی^{۱۲}، اعم از تنبیه بدنی یا فشارهای عاطفی، به‌عنوان یکی از قوی‌ترین پیش‌بین‌های اضطراب اجتماعی شناسایی شدند. این رفتارها، از طریق فعال‌سازی محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال^{۱۳} و افزایش سطح کورتیزول، می‌توانند به‌طور مستقیم بر سیستم‌های تنظیم هیجانی کودک تأثیر بگذارند و او را در برابر اختلالات اضطرابی آسیب‌پذیرتر کنند. این یافته با

1. Self-Determination Theory
2. Authoritarian Parenting
3. Authoritative Parenting
4. Overprotective Parenting
5. Negative Schemas
6. Vulnerability-Stress Model
7. Responsiveness
8. Demandingness
9. Baumrind's Parenting Theory
10. Exploratory Parenting
11. Temperament
12. Harsh Parenting
13. HPA Axis

مدل‌های زیست روان اجتماعی^۱ هم‌راستاست که بر تعامل عوامل زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی در شکل‌گیری اختلالات روانی تأکید دارند.

به‌طورکلی، این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های مختلف والدگری، از طریق مکانیزم‌های روان‌شناختی و عصب‌زیستی، در شکل‌گیری و تشدید اضطراب اجتماعی کودکان نقش دارند. این نتایج، ضرورت بازنگری در مداخلات مبتنی بر والدگری^۲ را برجسته می‌کند. برنامه‌های آموزشی والدین که بر تقویت پاسخگویی متعادل، کاهش رفتارهای تنبیهی و ایجاد محیطی حمایت‌گر تمرکز دارند، می‌توانند به کاهش اضطراب اجتماعی کودکان کمک کنند. همچنین، توجه به تفاوت‌های سرشتی کودکان و تطبیق سبک‌های والدگری با نیازهای فردی آن‌ها، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این پژوهش، با ارائه مدلی جامع، گامی در جهت درک عمیق‌تر رابطه والدگری و سلامت روان کودکان برمی‌دارد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

اضطراب اجتماعی به‌عنوان یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی، تأثیر عمیقی بر سلامت روان نسل‌های مختلف، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، دارد. این مطالعه مروری با بررسی نقش والدگری در انتقال و کاهش اضطراب اجتماعی میان نسل‌ها، بر اهمیت خانواده به‌عنوان بستری کلیدی برای شکل‌گیری سلامت روانی نسل‌های آینده تأکید می‌کند. اضطراب اجتماعی که حدود ۱۲ درصد از کودکان و ۲۰ درصد از نوجوانان را درگیر می‌کند، نه‌تنها بر کیفیت زندگی، روابط اجتماعی و عملکرد تحصیلی نسل کنونی اثر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به‌صورت بین‌نسلی منتقل شده و سلامت روان نسل‌های بعدی را نیز تهدید کند. تحلیل یافته‌های ۹ مقاله پژوهشی نشان می‌دهد که سبک‌های والدگری نقش محوری در بروز، تشدید یا کاهش اضطراب اجتماعی در نسل‌های جوان دارند و می‌توانند چرخه انتقال این اختلال را میان نسل‌ها تقویت یا تضعیف کنند.

نظریه‌های روان‌شناختی مانند نظریه دل‌بستگی بالبی و یادگیری اجتماعی بندورا بر اهمیت روابط والد-کودک در انتقال الگوهای رفتاری میان نسل‌ها تأکید دارند. والدینی که خود از اضطراب اجتماعی رنج می‌برند، ممکن است به‌طور ناخواسته رفتارهای مضطربانه‌ای را به نسل بعدی منتقل کنند. این انتقال اغلب از طریق الگوبرداری، بازخوردهای عاطفی ناکارآمد یا ایجاد محیط‌های پرتنش خانوادگی رخ می‌دهد. برای مثال، والدینی که در تعاملات اجتماعی خود ترس یا اجتناب را نشان می‌دهند، ممکن است این باور را در نسل بعدی تقویت کنند که موقعیت‌های اجتماعی ذاتاً تهدیدآمیز هستند. این الگوهای رفتاری می‌توانند در نسل‌های بعدی تثبیت شده و به اضطراب اجتماعی پایدار منجر شوند. علاوه بر این، سبک‌های والدگری ناکارآمد مانند کنترل بیش‌ازحد یا طرد عاطفی می‌توانند احساس ناامنی را در نسل جوان تشدید کرده و زمینه‌ساز اضطراب اجتماعی شوند.

سبک‌های مختلف والدگری تأثیرات متفاوتی بر سلامت روان نسل‌های جوان دارند. والدگری مستبدانه که با کنترل بالا و حمایت عاطفی پایین مشخص می‌شود، به‌طور قابل‌توجهی با افزایش اضطراب اجتماعی در نسل بعدی ارتباط دارد. والدین مستبد با محدود کردن استقلال فرزندان و ایجاد محیطی پر از انتقاد، ترس از ارزیابی منفی را در نسل جوان تقویت می‌کنند. در مقابل، والدگری مقتدرانه که تعادلی بین نظارت متعادل و حمایت عاطفی برقرار می‌کند، به‌عنوان عاملی محافظتی عمل کرده و اضطراب اجتماعی را در نسل‌های بعدی کاهش می‌دهد (والتر و همکاران، ۲۰۲۰). والدین مقتدر با تشویق استقلال، ارائه بازخوردهای سازنده و ایجاد فضایی امن، به نسل جوان کمک می‌کنند تا مهارت‌های اجتماعی و عزت‌نفس بالاتری کسب کنند که این عوامل از شدت اضطراب اجتماعی

1. Biopsychosocial Model

2. Parenting Interventions

می‌کاهد. همچنین، والدگری آسان‌گیر، هرچند ممکن است به عزت‌نفس بالاتر در نسل بعدی منجر شود، به دلیل نظارت پایین گاهی با کاهش انگیزه تحصیلی و افزایش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای اجتماعی همراه است.

فرا تحلیل‌هایی مانند پژوهش بوگلز و همکاران نشان داده‌اند که رفتارهای والدینی نظیر کنترل روانی، طرد عاطفی یا نظارت بیش‌ازحد با سطوح بالاتر اضطراب اجتماعی در نسل‌های جوان همبستگی دارند. این یافته‌ها بر این نکته تأکید دارند که شیوه‌های والدگری نه تنها بر نسل کنونی، بلکه بر نسل‌های آینده نیز تأثیر می‌گذارند. برای مثال، والدینی که در کودکی خود با سبک‌های والدگری ناکارآمد مواجه بوده‌اند، ممکن است این الگوها را به نسل بعدی منتقل کنند و چرخه‌ای از اضطراب اجتماعی را در نسل‌های مختلف تداوم بخشند. این چرخه بین‌نسلی نشان‌دهنده اهمیت مداخلات زودهنگام برای اصلاح سبک‌های والدگری و پیشگیری از انتقال اضطراب اجتماعی به نسل‌های آینده است.

عوامل متعددی در شکل‌گیری سبک‌های والدگری و انتقال اضطراب اجتماعی میان نسل‌ها نقش دارند. تجربیات کودکی والدین، سطح تحصیلات، شرایط اقتصادی-اجتماعی، فرهنگ و سلامت روان خود والدین از جمله این عوامل هستند. والدینی که در نسل قبلی خود با محیط‌های عاطفی نامناسب یا اضطراب‌آور بزرگ شده‌اند، ممکن است به‌طور ناخواسته الگوهای مشابهی را به نسل بعدی منتقل کنند. همچنین، عوامل فرهنگی با تأثیر بر انتظارات اجتماعی و شیوه‌های تربیتی، می‌توانند شدت و شیوع اضطراب اجتماعی را در نسل‌های مختلف تحت تأثیر قرار دهند. برای مثال، در فرهنگ‌هایی که تأکید زیادی بر قضاوت اجتماعی و حفظ ظاهر وجود دارد، احتمال بروز اضطراب اجتماعی در نسل‌های جوان‌تر افزایش می‌یابد. این عوامل نشان‌دهنده پیچیدگی انتقال اضطراب اجتماعی میان نسل‌ها و ضرورت توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در طراحی مداخلات هستند.

مداخلات خانواده‌محور در مقایسه با مداخلات فردمحور اثربخشی بیشتری در کاهش اضطراب اجتماعی در نسل‌های جوان نشان داده‌اند. این مداخلات با تمرکز بر بهبود پویایی‌های خانوادگی و آموزش مهارت‌های والدگری مثبت، به والدین کمک می‌کنند تا محیطی حمایت‌کننده برای نسل بعدی فراهم آورند. برنامه‌های آموزشی که بر تکنیک‌هایی نظیر گوش دادن فعال، مدیریت استرس، تشویق استقلال و تقویت روابط عاطفی والد-کودک متمرکز هستند، می‌توانند تأثیرات منفی اضطراب اجتماعی را در نسل‌های کنونی و آینده کاهش دهند. این برنامه‌ها با افزایش آگاهی والدین نسبت به تأثیر رفتارهایشان بر نسل بعدی، به قطع چرخه انتقال اضطراب اجتماعی میان نسل‌ها کمک می‌کنند. برای مثال، آموزش والدین برای جایگزینی کنترل بیش‌ازحد با حمایت عاطفی می‌تواند به نسل جوان کمک کند تا با اعتمادبه‌نفس بیشتری در موقعیت‌های اجتماعی حاضر شوند.

با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در درک نقش والدگری در انتقال اضطراب اجتماعی میان نسل‌ها، همچنان خلأهای پژوهشی وجود دارد. مطالعات طولی برای بررسی تعامل بین عوامل ژنتیکی و محیطی در انتقال این اختلال میان نسل‌ها ضروری است. این مطالعات می‌توانند روشن کنند که چگونه ترکیب عوامل زیستی و تربیتی در نسل‌های مختلف به تداوم یا کاهش اضطراب اجتماعی منجر می‌شود. علاوه بر این، بررسی تأثیر مداخلات خانواده‌محور در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف می‌تواند به طراحی برنامه‌های درمانی متناسب با زمینه‌های فرهنگی کمک کند. نقش فناوری و شبکه‌های اجتماعی که در دنیای مدرن به‌عنوان عوامل جدیدی در تشدید اضطراب اجتماعی در نسل‌های جوان مطرح هستند، نیز نیازمند توجه بیشتری در تحقیقات آینده است.

در نهایت، این مطالعه بر نقش محوری والدین در پیشگیری و درمان اضطراب اجتماعی در نسل‌های کنونی و آینده تأکید می‌کند. والدگری آگاهانه و حمایت‌کننده می‌تواند به‌عنوان سپری در برابر اضطراب اجتماعی عمل کرده و سلامت روان نسل‌های بعدی را تضمین کند. سرمایه‌گذاری در برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای والدین، به‌ویژه در دوره‌های حساس کودکی و نوجوانی، نه تنها بار روانی اضطراب اجتماعی را در نسل کنونی کاهش می‌دهد، بلکه با قطع چرخه انتقال این اختلال، آینده‌ای سالم‌تر برای نسل‌های بعدی رقم می‌زند. با ارتقای آگاهی والدین و ارائه ابزارهای لازم برای پرورش نسل‌هایی با سلامت روان بالاتر، می‌توان امید به کاهش شیوع اضطراب اجتماعی در نسل‌های آینده داشت. این تلاش‌ها نیازمند همکاری میان پژوهشگران، سیاست‌گذاران و متخصصان

سلامت روان است تا با شناسایی دقیق عوامل مؤثر بر انتقال اضطراب اجتماعی، راهکارهایی مؤثر برای حمایت از نسل‌های کنونی و آینده ارائه شود. همچنین، بدین‌وسیله مراتب سپاس و قدردانی عمیق خود را از استاد گران‌قدرم، جناب آقای دکتر کاظم خرم‌دل، به‌عنوان استاد راهنمای این‌جانب در مقطع کارشناسی ارشد، ابراز می‌دارم. راهنمایی‌های علمی، حمایت‌های بی‌دریغ و بینش ژرف ایشان، نقش بنیادینی در شکل‌گیری پایان‌نامه‌ام در سال ۱۴۰۳ ایفا نمود. افزون بر این، نخستین تجربه نگارش و انتشار مقاله علمی‌ام نیز در همان سال، مرهون هدایت‌های علمی و انگیزه‌بخشی ایشان بوده است. آشنایی با حوزه والدگری و عمق‌بخشی به نگاه علمی‌ام در این زمینه، با راهنمایی‌های ایشان آغاز شد و در ادامه، انگیزه‌ای قوی برای پیگیری پژوهش‌های بیشتر و نگارش مقالات تخصصی در این حوزه برایم فراهم ساخت. بی‌تردید، بخش مهمی از مسیر پژوهشی‌ام در حوزه روان‌شناسی والدگری، وام‌دار نقش راهبردی و اثرگذار ایشان است.

۶- منابع

- ۱- محمدی، مرضیه (۱۴۰۳). از اضطراب اجتماعی مادران تا فرزندان (یک مطالعه مروری نظام‌مند)، نهمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی. تهران.
- ۲- محمدی، مرضیه؛ و خرم‌دل، کاظم (۱۴۰۳). والدگری در اضطراب اجتماعی: یک مطالعه مروری نظام‌مند. یازدهمین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران.
- ۳- Alderman, E. M., Breuner, C. C., Grubb, L. K., Powers, M. E., Upadhy, K., & Wallace, S. B. (2019). Unique needs of the adolescent. *Pediatrics*, 144(6). doi:10.1542/peds.2019-2967.
- ۴- Allan, D., & Power, L. (2024). Family therapy with adolescents: Key ideas and their application. In *A Practical Guide to Family Therapy* (pp. 148-178). Routledge. doi:10.4324/9781003490104
- ۵- Asif, S., Mudassar, A., Shahzad, T. Z., Raouf, M., & Pervaiz, T. (2020). Frequency of depression, anxiety, and stress among university students. *Pakistan Journal of Medical Sciences*, 36(5), 971. doi:10.12669/pjms.36.5.1873
- ۶- Chen, F., Garcia, O. F., Alcaide, M., Garcia-Ros, R., & Garcia, F. (2024). Do we know enough about negative parenting? Recent evidence on parenting styles and child maladjustment. *European Journal of Psychology Applied to Legal Context*, 16(1), 37-48. doi:10.5093/ejpalc2024a3
- ۷- Cobham, V. E., Hickling, A., Kimball, H., Thomas, H. J., Scott, J. G., & Middeldorp, C. M. (2020). Systematic review: Anxiety in children and adolescents with chronic medical conditions. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 59(5), 595-618. doi:10.1016/j.jaac.2020.01.017
- ۸- Cong, C. W., Aik, C. P., Rabbani, M., & Ni, A. O. (2020). Perceived parenting style and adolescents' social anxiety in Selangor, Malaysia. *Makara Human Behavior Studies in Asia*, 24(1), 17-23. doi:10.7454/hubs.asia.1120220
- ۹- Fang, Y., Luo, J., Boele, M., Windhorst, D., van Grieken, A., & Raat, H. (2024). Parent, child, and situational factors associated with parenting stress: A systematic review. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 33(6), 1687-1705. doi:10.1007/s00787-024-02066-x
- ۱۰- Febiyanti, A., & Rachmawati, Y. (2021, March). Is authoritative parenting the best parenting style?. In *5th International Conference on Early Childhood Education (ICECE 2020)* (pp. 94-99). Atlantis Press. doi:10.2991/assehr.k.210322.020
- ۱۱- Ferber, K. A., Chen, J., Tan, N., Sahib, A., Hannaford, T., & Zhang, B. (2024). Perfectionism and social anxiety: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology: Science and Practice*. doi:10.1037/cps0000050
- ۱۲- Garcia, O. F., Fuentes, M. C., Gracia, E., Serra, E., & Garcia, F. (2020). Parenting warmth and strictness across three generations: Parenting styles and psychosocial adjustment. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(20), 7487. doi:10.3390/ijerph17207487
- ۱۳- Ioane, J., & Tudor, K. (2023). Family-centered therapy: Implications of Pacific spirituality for person-centered theory and practice. *Person-Centered & Experiential Psychotherapies*, 22(1), 58-76. doi:10.1080/14779757.2023.2158507
- ۱۴- Jaafar, S. B., Zambi, N. M., & Fathil, N. F. (2021). Leadership style: Is it autocratic, democratic or laissez-faire. *ASEAN Journal of Management and Business Studies*, 3(1), 1-7.
- ۱۵- Jörns-Presentati, A., Napp, A. K., Dessauvage, A. S., Stein, D. J., Jonker, D., Breet, E., ... & Groen, G. (2021). The prevalence of mental health problems in sub-Saharan adolescents: A systematic review. *PLOS One*, 16(5), e0251689. doi:10.1371/journal.pone.0251689
- ۱۶- Leichsenring, F., & Leweke, F. (2017). Social anxiety disorder. *New England Journal of Medicine*, 376(23), 2255-2264. doi:10.1056/NEJMr1616538
- ۱۷- Lomet, J., Gagne, R., & Gouranton, V. (2022, November). Could you relax in an artistic co-creative virtual reality experience?. In *ICAT-EGVE, Joint International Conference of the 32nd International Conference on Artificial Reality and Telexistence & the 27th Eurographics Symposium on Virtual Environments* (pp. 1-9). doi:10.2312/egve.20221242

- ۱۸- Mathijs, L., Mouton, B., Zimmermann, G., & Van Petegem, S. (2024). Overprotective parenting and social anxiety in adolescents: The role of emotion regulation. *Journal of Social and Personal Relationships*, 41(2), 413-434. doi:10.1177/02654075231173722
- ۱۹- Mishra, P. I. N. K. I., & Kiran, U. V. (2018). Parenting style and social anxiety among adolescents. *International Journal of Applied Home Science*, 5(1),
- ۲۰- Nasution, A. Z. I., Karneli, Y., & Netrawati, N. (2024). Existential humanistic perspective on depression and anxiety: A literature study. *Al-Ihath: Jurnal Bimbingan dan Konseling Islam*, 4(2), 70-79. doi:10.53915/jbki.v4i2.530
- ۲۱- Nomaguchi, K., & Milkie, M. A. (2020). Parenthood and well-being: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*, 82(1), 198-223. doi:10.1111/jomf.12635
- ۲۲- Onyekachi, B. N., Egboluche, F. O., & Chukwuorji, J. C. (2022). Parenting style, social interaction anxiety, and problematic internet use among students. *Journal of Psychology in Africa*, 32(1), 79-85. doi:10.1080/14330237.2021.2002030
- ۲۳- Özkula, G., Uğurlu, M., Kuru, E., Ferda Cengiz, G., & Örsel, S. (2022). Anxiety-promoting parenting behaviors in adolescents with social anxiety: Controlled with a non-clinical sample. *Alpha Psychiatry*, 23(4), 184-192. doi:10.5152/alphapsychiatry.2022.21340
- ۲۴- Park, J. L., & Johnston, C. (2020). The relations among stress, executive functions, and harsh parenting in mothers. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 48(5), 619-632. doi:10.1007/s10802-019-00606-2
- ۲۵- Peleg, O., Tzischinsky, O., & Spivak-Lavi, Z. (2021). Depression and social anxiety mediate the relationship between parenting styles and risk of eating disorders: A study among Arab adolescents. *International Journal of Psychology*, 56(6), 853-864. doi:10.1002/ijop.12787
- ۲۶- Roberts, A. C., & Mulvihill, K. G. (2024). Multiple faces of anxiety: A frontal lobe perspective. *Trends in Neurosciences* doi:10.1016/j.tins.2024.07.001.
- ۲۷- Schoenmakers, M., Tijmstra, J., Vermunt, J., & Bolsinova, M. (2024). Correcting for extreme response style: Model choice matters. *Educational and Psychological Measurement*, 84(1), 145-170. doi:10.1177/00131644231186350
- ۲۸- Sharafutdinova, K. G., Kulmamatova, F. K., & Haydarova, S. (2021). The role of cognitive psychology in the elimination of destructive behavior. *Asian Journal Of Multidimensional Research*, 10(4), 957-964 doi:10.5958/2278-4853.2021.00348.7
- ۲۹-
- ۳۰- Shengyao, Y., Salarzadeh Jenatabadi, H., Mengshi, Y., Minqin, C., Xuefen, L., & Mustafa, Z. (2024). Academic resilience, self-efficacy, and motivation: The role of parenting style. *Scientific Reports*, 14(1), 5571. doi:10.1038/s41598-024-69574-5
- ۳۱- Silva, E., Matos, A. P. S. de, Costa, J. J. M. da, Ramos, V., & Lopes, J. (2017). The moderating effect of parenting styles on the relationship between social anxiety and depressive symptomatology in adolescents. *Millenium - Journal of Education, Technologies, and Health*, 2(2), 13-25. doi:10.29352/mill0202.01.00120
- ۳۲- Sultan, A. R., & Al-Thahab, A. A. (2023). Maintaining identity of the built environments of religious cities: Impact of expansions at the historic Karbala, Iraq. *ISVS e-journal*, 10(8), 265-288. doi:10.61275/ISVSej-2023-10-08-19
- ۳۳- Valadez, E. A., Pine, D. S., Fox, N. A., & Bar-Haim, Y. (2022). Attentional biases in human anxiety. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 142, 104917. doi:10.1016/j.neubiorev.2022.104917
- ۳۴- Walter, H. J., Bukstein, O. G., Abright, A. R., Keable, H., Ramtekhar, U., Ripperger-Suhler, J., & Rockhill, C. (2020). Clinical practice guideline for the assessment and treatment of children and adolescents with anxiety disorders. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 59(10), 1107-1124. doi:10.1016/j.jaac.2020.06.012
- ۳۵- Wang, M., Wu, X., & Wang, J. (2021). Paternal and maternal harsh parenting and Chinese adolescents' social anxiety: The different mediating roles of attachment insecurity with fathers and mothers. *Journal of Interpersonal Violence*, 36(21-22), 9904-9923. doi:10.1177/0886260519881531
- ۳۶- Yaffe, Y. (2023). Systematic review of the differences between mothers and fathers in parenting styles and practices. *Current Psychology*, 42(19), 16011-16024. doi:10.1007/s12144-023-03902-w
- ۳۷- Zibae Vishkaee, E., & Tizdast, T. (2021). Predicting social anxiety in schoolgirls based on parenting styles and mothers' cognitive flexibility. *Journal of Modern Psychology*, 1(2), 1-11. doi:10.22034/jmp.2021.290380.101

The Hidden Story of Intergenerational Transmission of Social Anxiety: A Meta-Analytic Study

Marziyeh Mohammadi¹, Yaser Dehghani^{2*}

1-M.A. Student in Social Psychology, Department of Psychology, Fatemiyeh Non-Profit Institute of Higher Education, Shiraz, Fars, Iran.

mohammadimarzieh976@gmail.com

2-Assistant Professor, Department of Psychology, Fatemiyeh Non-Profit Institute of Higher Education, Shiraz, Fars, Iran. (Corresponding Author)

Yaser.dehghani@yahoo.com

Abstract

Social anxiety, as one of the most prevalent psychological disorders among children and adolescents, often originates in family communication patterns and parenting styles that are transmitted from one generation to the next. The present study aimed to systematically examine the relationship between parenting styles and the intergenerational transmission of social anxiety based on empirical evidence from the past decade. To this end, a meta-analytic and documentary analysis approach was employed. Relevant articles were retrieved from scientific databases including *PubMed*, *PsycINFO*, *Web of Science*, and *Google Scholar*. After the initial screening of 102 studies, 18 articles were selected for quality assessment, of which 9 met the methodological and data quality criteria to be included in the final analysis. Data were analyzed using the *Comprehensive Meta-Analysis (CMA)* software. The findings indicated that parenting styles play a significant role in the development or prevention of social anxiety in children. Authoritarian, punitive, and harsh parenting styles were positively and significantly associated with higher levels of social anxiety. In contrast, authoritative, responsive, and warm parenting styles were significantly correlated with lower levels of social anxiety symptoms. Furthermore, social anxiety was linked to negative psychological outcomes such as decreased self-esteem, increased anger and aggression, and difficulties in interpersonal relationships. The results emphasize the critical role of parents in either exacerbating or mitigating children's vulnerability to social anxiety, highlighting the need for intervention programs focused on promoting healthy parenting practices as an essential component of primary prevention strategies for this disorder.

Keywords: Social Anxiety, Parenting Styles, Intergenerational Transmission, Child Mental Health.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)